

صدا و گفتار

پاکستان میں اردو زبان کی تعلیم اور ترقی کے لیے

پروفیسر محمد رفیق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صدف کوثر

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	صدق کوثر
۷	مشخصات کتاب
۷	طلیعه
۷	مقدمه
۷	نسب حضرت خدیجه علیها السلام
۹	کنیه و القاب
۱۰	سیمای خدیجه علیها السلام در آئینه وحی
۱۱	خدیجه کبری علیها السلام از دیدگاه رسول خدا صلی الله علیه وآله
۱۲	خدیجه مام فضیلتها
۱۵	ثروتمندترین بانوی دوران
۱۵	فرزانه قریش
۱۶	تحریف تاریخ
۱۷	دوشیزه حجاز
۱۹	خدیجه علیها السلام و چگونگی شناخت او از پیامبر صلی الله علیه وآله
۲۲	گامی استوار به سوی زندگی پایدار
۲۳	انگیزه ازدواج
۲۴	لحظه انتظار
۲۵	مهریه حضرت خدیجه علیها السلام
۲۵	سنّ حضرت خدیجه علیها السلام
۲۷	تاریخ ازدواج
۲۸	همسر و هم بیز
۲۹	سرچشمه کوثر
۳۰	دختران هاله

اولیات حضرت خدیجہ علیہا السلام ----- ۳۲

غروب غمبار ----- ۳۲

تاریخ وفات ----- ۳۳

سال غم و اندوه ----- ۳۳

حق شناسی پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ ----- ۳۳

پاورقی ها ----- ۳۴

درباره مرکز ----- ۴۴

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱ عنوان و نام پدیدآور: صدف کوثر/ علی اکبر مهدی پور مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۱. مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: حضرت خدیجه (س) - زندگینامه

طلیعه

چهار سال پیش جمعی از شیعیان شیفته و ارادتمندان پاکبخته خاندان عصمت و طهارت تلاش گسترده ای در راه رفع غربت از ما در گرانمایه « کوثر قرآن » برداشتند ، محافل و مجالس باشکوهی در استانهای مختلف کشور برپا نمودند ، مصاحبه های پرشور از رسانه ها پخش کردند ، کتاب ، پوستر ، جزوه ، پرچم و بروشور در تیراژ بسیار بالا چاپ و توزیع نمودند . (۱)

و اینک خوشوقتی که این جزوه در همین راستا به پیشگاه حضرت زهرا علیها السلام تقدیم می گردد، به این امید که تبسم رضایتمندی بر لبهای نازکتر از گلِ یوسف زهرا نقش بندد .

دهم رمضان ۱۴۲۹ ق

حوزه علمیه قم

علی اکبر مهدی پور

مقدمه

در میان میلیونها بانوی بافضیلت جهان ، تنها یک بانو این افتخار را پیدا کرد که در شاهوار جهان آفرینش و در دانه بی همتای خداوند منان باشد و سرور بانوان عالم ، دخت گرانمایه پیامبر خاتم ، وجود اقدس فاطمه اطهر علیها السلام را در صدف خود پیرواند ، و او کسی جز حضرت خدیجه علیها السلام نیست .

دهم رمضان ، یادآور ارتحال این بانوی بزرگ ، روز یتیمی کوثر قرآن و روز غم و اندوه خاندان عصمت و طهارت است .

این مصیبت بزرگ را به پیشگاه مقدس حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) تسلیت گفته ، به گوشه ای از زندگی پربار آن بانوی بافضیلت اشاره می کنیم :

نسب حضرت خدیجه علیها السلام

او دخت گرامی « حویله » فرزند آسید ، فرزند عبدالعزی ، فرزند قَصِی ، فرزند کلاب ، فرزند مَرّه ، فرزند کعب ، فرزند لُوی ،

فرزند غالب، فرزند فِهر است. (۲) مادرش، فاطمه، دخت زائده، پسر اَصَمّ، پسر زواحه، پسر حَجْر، پسر عبد، پسر مَعِص، پسر عامر، پسر لُؤَيّ، پسر غالب، پسر فِهر است. (۳)

حضرت خدیجه از تیره قریش است که از سوی پدر در نیای سَوَم (قُصَيّی) و از سوی مادر در نیای هشتم (لُؤَيّ) با نسب پیامبر، پیوند می خورد.

«خُوَیَلَد» ، قهرمان دلاوری بود که هنگام تهاجم «تُبَع» ، پادشاه خودکامه «یمن» ، دست به شمشیر برد ، در برابرش مردانه شمشیر زد و او را با ذلّت از حریم کعبه دور ساخت. (۴)

هنگام جلوس «سیف بن ذی یَزَن» بر تخت

سلطنت ، او همراه عبدالمطلب از سوی قریش به « صنعا » رفت و در کاخ « غمدان » با وی دیدار کرد .(۵)

پدر خویلد ، « اسد » نیز در اجتماع « حلف الفضول » - که برای دفاع از مظلومان برگزار شد و به « پیمان جوانمردان » موسوم شد - شرکت فعال داشت .(۶)

کنیه و القاب

برای آن خانم ، القاب و کنیه های فراوانی نقل کرده اند که برخی از آنها عبارت است از :

۱ . اُمّ المؤمنین

همسران پیامبر و در رأس آنها حضرت خدیجه به نصّ قرآن « اُمّ المؤمنین » لقب یافته اند(۷) و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله او را « برترین و بهترین امهات مؤمنین » خوانده است .(۸)

۲ . بانوی بانوان

امیر مؤمنان علیه السلام در چکامه ای که در سوگ حضرت خدیجه سرود ، از آن حضرت به عنوان « سیده النسوان » تعبیر فرمود ،(۹) امام کاظم علیه السلام وی را « سیده قریش » تعبیر فرمود ،(۱۰) اسماء بنت عمیس ، آن خانم را « سیده نساء العالمین » می خواند(۱۱) و در عهد جاهلی او را « سیده نساء قریش » می خواندند .(۱۲)

۳ . صدیقه

گلوازه صدیقه در قرآن ، فقط یک بار درباره حضرت مریم به کار رفته(۱۳) و امام صادق علیه السلام آن را معصومه معنا کرده است .(۱۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در معرفی حضرت خدیجه خطاب به جبرئیل فرمود :

« هَذِهِ صِدِّيقَةُ أُمَّتِي ؛ (۱۵) این صدیقه امت من است .»

۴ . طاهره

مشهورترین لقب آن حضرت در عصر

جاهلی « طاهره » بود. (۱۶) زیرا او پاک ترین و عقیف ترین بانوی آن دوران بود. (۱۷)

۵. مبارکه

محدث قمی روایت کرده که: « خداوند به حضرت عیسی علیه السلام وحی فرمود که نسل پیامبر آخرالزمان از بانویی « مبارکه » است. » (۱۸) عبدالله بن سلیمان نیز این معنا را از انجیل نقل کرده است. (۱۹)

۶. دیگر القاب

در یکی از زیارتنامه های پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آمده است: سلام بر ... صدیقه ، طاهره ، زکیه ، راضیه ، مرضیه ، خدیجه کبری ام المؤمنین ». (۲۰)

سیمای خدیجه علیها السلام در آئینه وحی

نخستین سیر شبانه خاتم انبیاء صلی الله علیه وآله دو سال پس از بعثت در شب دوشنبه ای در ماه ربیع الاول انجام گرفت. (۲۱) و هنگامی که از معراج به سوی زمین بازمی گشت ، از سوی پیک وحی ، این گونه به او خطاب شد :

« حَاجَتِي أَنْ تَقْرَأَ عَلَيَّ خَدِيجَةَ مِنَ اللَّهِ وَمِنِّي السَّلَامُ ؛

خواسته ام این است که از سوی خدا و از طرف من (جبرئیل) به خدیجه سلام برسانی . »

وقتی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله درود خداوند متعال و جبرئیل امین را به حضرت خدیجه ابلاغ فرمود ، عرضه داشت : « خداوند ، خود سلام است ، سلام از او و به سوی اوست و بر جبرئیل سلام باد . » (۲۲)

یک بار دیگر ، پیک وحی بر حضرت پیامبر فرود آمد و گفت : « این خدیجه است که برای تو غذا و نوشیدنی آورده است ؛ چون نزد تو آید از

خدا و از من به او سلام برسان و او را به قصری از مروارید در بهشت بشارت بده که در آن ، نه سر و صدایی است و نه غم و اندوهی . « (۲۳)

ذهبی گوید : « بر صحیح بودن این حدیث ، اتفاق نظر هست . (۲۴) پس از ارتحال آن بانو ، حضرت فاطمه علیها السلام در اطراف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می چرخید و می گفت : « مادرم کجاست ؟ » پیک وحی فرود آمد و عرضه داشت : « پروردگارت امر می فرماید که به فاطمه سلام برسانی و بگویی که مادرت در قصری از مروارید است که سقفش از طلا و ستونهایش از یاقوت سرخ و در میان مریم و آسیه است . »

اینجا هم حضرت فاطمه - که در آن ایام ۵ ساله بود - عرض کرد : « خدای ، خود سلام است . سلام از او و به سوی او است » (۲۵).

- خدیجه کبری از دیدگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله /

خدیجه کبری علیها السلام از دیدگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله احادیث فراوانی در مناقب حضرت خدیجه علیها السلام رسیده است که فقط به شماری از آنها اشاره می کنیم :

۱ . خدیجه ، صدیقه اُمّت من است . (۲۶)

۲ . هر روز چندین بار خداوند با خدیجه بر فرشتگان مباحثات می کند . (۲۷)

۳ . خدیجه برترین امّهات مؤمنین است . (۲۸)

۴ . هرگز خدا همسری بهتر از او برای من جایگزین نکرده است . (۲۹)

۵ . برترین بانوان بهشتی ، خدیجه دخت خویلد و فاطمه دخت محمد است . (۳۰)

۶ . خدیجه بر بانوان اُمّت من برتری داده

شده است. (۳۱)

۷. خداوند محبت خدیجه را بر من ارزانی داشت. (۳۲)

۸. خدیجه در ایمان به خدا و من، گوی سبقت را از همه بانوان عالم ربود. (۳۳)

۹. خداوند شکم مادرت را (خطاب به حضرت فاطمه علیها السلام) ظرف امامت قرار داد. (۳۴)

۱۰. مریم بهترین بانوان زمان خود و خدیجه بهترین بانوان زمان خویش است. (۳۵)

خدیجه مام فضیلتها

ابن حجر عسقلانی گوید که حضرت خدیجه، سرچشمه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است، زیرا در تفسیر آیه شریفه «**إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً**» ثابت شده است که ام سلمه گفت:

«چون این آیه نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را فراخواند و کسانی بر فراز آنها انداخت و فرمود: «بار خدایا! اینها اهل بیت من هستند». و همه اینها از خدیجه نشأت گرفته اند؛ زیرا حسن و حسین، فرزندان فاطمه و فاطمه دختر خدیجه است و علی نیز در کودکی در خانه خدیجه تربیت شده و در بزرگی، داماد او شده است. (۳۶)

ابن حجر گوید که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی با سند نیکو فرموده است:

«**لَقَدْ فَضَّلْتُ خَدِيجَةَ عَلَي نِسَاءِ أُمَّتِي**؛

خدیجه بر بانوان امت من برتری یافته است.»

با این حدیث، بر برتری خدیجه بر عایشه استدلال شده است. (۳۷)

سپس چنین می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی صحیح السند فرموده است

«أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ وَفَاطِمَةُ وَمَرْيَمُ وَآسِيَةُ» ؛

برترین بانوان بهشت؛ خدیجه، فاطمه، مریم و آسیه اند.

آنگاه می گوید: این حدیث، صریح است و قابل تأویل نیست. (۳۸)

ابن کثیر شماری از فضایل ویژه حضرت خدیجه را برشمرده ، سپس می گوید : « برخی از اهل سنت ، غلو می کنند و عایشه را بدین سبب که دختر ابوبکر است بر خدیجه تفضیل می دهند ». (۳۹)

ابن حجر در ادامه ، نکته ظریفی را نقل می کند و آن این است : « قدر مشترک در میان مریم ، آسیه و خدیجه ، این است که هر یک از اینها ، پیامبر مرسلی را تحت کفالت خود گرفته است :

۱ . آسیه ، حضرت موسی علیه السلام را کفالت و تربیت کرد و چون مبعوث شد به او ایمان آورد .

۲ . مریم ، حضرت عیسی علیه السلام را کفالت نمود و بزرگش کرد و چون مبعوث شد به او گروید .

۳ . خدیجه پیشنهاد ازدواج به پیامبر اسلام داد ، همه اموالش را در راه او تقدیم کرد و چون وحی بر آن حضرت نازل شد به او ایمان آورد . (۴۰)

از اینجا رمز فضیلت حضرت فاطمه علیها السلام نیز روشن می شود که او همه دار و ندارش را برای حفظ حجّت خدا تقدیم کرد ، نه تنها محسن ، بلکه نقد جاننش را در این راه تقدیم نمود و به مقام : « سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، مِنَ الْأُولَى وَالْآخِرِينَ » نایل آمد ، که به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله هنگامی که در محراب عبادت خود

می ایستاد ، هفتاد هزار فرشته مقرب او را صدا می کنند و می گویند : ای فاطمه ! « إِنَّ اللَّهَ اضْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ » ؛ هان ای فاطمه ! خداوند تو را برگزید و پاکیزه ساخت و بر بانوان عالمیان تو را برتری داد . (۴۱)

همان جایگاه بلند و مقام رفیع خدیجه و فاطمه موجب شد که فاقدان فضایل بر آنها حسد بورزند و از این طریق موجبات آزار پیامبر را فراهم آورند .

بخاری با سند صحیح از برخی همسران پیامبر روایت می کند که می گفت : « من هرگز به هیچ زنی چون خدیجه حسد نورزیدم » . آن گاه عامل این حسد را دو چیز بیان می کند :

۱ . پیامبر از او به کثرت یاد می کرد ؛

۲ . خداوند به پیامبر امر فرموده بود که خدیجه را بشارت دهد به خانه ای در بهشت از « قَصَب » ، یعنی مروارید ، که در آن « صَخَب » و « نَصَب » ، یعنی سر و صدا و رنج و درد ، وجود ندارد . (۴۲)

ابن حجر در شرح این حدیث از « سهیلی » نقل می کند که تعبیر « قَصَب » از این جهت است که آن بانوی بزرگوار ، گوی سبقت را از همه بانوان جهان ربوده است و تعبیر « صَخَب » از این جهت است که حضرت خدیجه ، هرگز با پیامبر درگیر نشد ، صدایش را بلند نکرد ، سر و صدا ایجاد نکرد و خانه را محیط امن و آرام قرار داد . تعبیر « نَصَب » هم از این جهت است که وی برخلاف

برخی همسران پیامبر هرگز آن حضرت را نیازرد .

از این رهگذر ، خداوند قصری در بهشت به آن حضرت عطا فرمود که محیط آرام ، بی سر و صدا و بدون اذیت و آزار باشد (۴۳).

ثروتمندترین بانوی دوران

ذهبی از واقدی نقل کرده است که خویلد پدر خدیجه ، پیش از جنگ فجار در گذشته بود ... و این موضوع در میان اصحاب ما مورد اتفاق است . (۴۴)

حضرت خدیجه با عقل و درایت خود آنچه از پدر به ارث برده بود را در راه ایجاد اشتغال برای جوانان حجاز به کار گرفت و تجارت گسترده ای به راه انداخت . وی همه جوانان را تشویق می کرد که با ثروتش تجارت کنند ؛ هم سود ببرند و هم به او سود رسانند .

شیوه تجارت آن بانوی بادرایت ، مضاربه بود . ابن هشام در این باره می نویسد :

« خدیجه دخت خویلد بانویی تاجرپیشه بود و ثروت و شرافت داشت . او مردان را استخدام می کرد و با آنها قرارداد می بست و از طریق مضاربه با آنها رفتار می کرد » . (۴۵)

آن بانو ، با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز همین گونه رفتار می کرد ؛ جز اینکه برای آن حضرت ، حق مضاربه بیش تری تعیین می کرد و غلام خود « میسره » را نیز در محضر آن حضرت می فرستاد و گرنه حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله هرگز برای کسی اجیر نشده است . (۴۶)

فرزانه قریش

آوازه دختر خویلد در سراسر حجاز پیچید . بازرگانانی که با ثروت او تجارت می کردند ، آوازه او را از مرز حجاز گذراندند و شهرتش را در بلاد اطراف ، به ویژه در سرزمین یمن به گوش سلاطین رساندند .

دلاوریهای پدرش خویلد در برابر « تَبَع » پادشاه خودکامه یمن (۴۷) از یک سو و دیدار تأثیرگذار وی در کاخ « غُمدان » با « سیف بن ذی یَزَن »

در صنعا، (۴۸) از دیگر سو، باعث شد که همه اعیان و اشراف یمن، آرزوی همسری فرزانه قریش را در دل پیورانند.

ولی حضرت خدیجه هشیارتر از آن بود که با آن ثروت و مکنت و جمال و کمال، در برابر پیشنهادهای آنان سر فرود آورد. او فقط دل در گرو جوان هاشمی داشت و منتظر روزی بود که در دل امین بنی هاشم راه یابد.

مورخان، اتفاق نظر دارند که در میان اعیان و اشراف منطقه، صاحب ثروت و صاحب مکنتی نماند؛ جز اینکه از حضرت خدیجه خواستگاری کرد و او دست رد بر سینه همگان زد. (۴۹)

تحریر تاریخ

در طول تاریخ، همواره قلم در دست چاپلوسان و در خدمت زورمداران بود، از این رهگذر بسیاری از حقایق مسلم تاریخ دستخوش تحریف شده و مطالب پوچ و واهی به دست چیره داستان تاریخ ساز رنگ واقعی به خود گرفته، راه تشخیص را به روی بسیاری از حقیقت جوین بسته است، فی المثل:

۱. مولای متقیان امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در داخل کعبه دیده به جهان گشود و هیچ فرد دیگری در این منقبت با او شریک نمی باشد. (۵۰)

حزب قریش به «حکیم بن حزام» نسبت داده اند که او نیز در داخل کعبه متولد شده، تا این فضیلت علی علیه السلام را کمرنگ نشان دهند و حاکم نیشابوری با قاطعیت آن را رد کرده است. (۵۱)

۲. بدون تردید اول کسی که رسالت پیامبر را پذیرفته، علی علیه السلام است، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در

دهها حدیث به آن تصریح کرده ، از جمله :

« أَوْلُكُمْ وَارِدًا عَلَيَّ الْحَوْضِ ، أَوْلُكُمْ إِسْلَامًا عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ » ؛

« نخستین کسی که از شما در کنار حوض کوثر بر من وارد می شود ، نخستین اسلام آورنده شما علی بن ابی طالب است » .
(۵۲)

برای کمرنگ نشان دادن این فضیلت بزرگ امیرمؤمنان گفته اند که ابوبکر نخستین اسلام آورنده بود و تعصب را به جایی رسانده اند که گفته اند : « پیش از آنکه علی علیه السلام متولد شود ، ابوبکر ایمان آورده بود » !!! (۵۳)

۳ . هیچ تردیدی نیست که امیرمؤمنان تنها داماد پیامبر بود ، برای اینکه این افتخار را کمرنگ کنند ، داماد دیگری برای پیامبر تراشیده اند که اولاً این فضیلت را از آن حضرت سلب کنند، ثانیاً رقیب سیاسی برای آن حضرت درست کنند!

۴ . حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تنها دختر پیامبر بود ، برای سلب این افتخار دختران هاله را به عنوان دختران پیامبر رقم زده اند !

۵ . حضرت خدیجه نخستین دوشیزه ای بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با او ازدواج کرد ، برای اینکه این فضیلت را از آن عایشه معرفی کنند ، دو شوهر برای او تراشیدند ، تا او را بیوه زن چهل ساله معرفی کنند !!

دوشیزه حجاز

(۱) حسین بن حمدان خصیبی ، متوفای ۳۳۴ ق . با صراحت و قاطعیت می نویسد :

« به جز رسول خدا هرگز احدی افتخار همسری خدیجه را پیدا نکرد ، چنانکه تا خدیجه زنده بود پیامبر اکرم همسر دیگری برنگزید » . (۵۴)

(ابوالقاسم علی بن احمد کوفی ، نوه موسی مبرقع ، نواده امام جواد علیه السلام ، و متوفای ۳۵۲ ق . در این رابطه می نویسد :

« بی گمان حضرت خدیجه به جز رسول خدا هرگز با احدی ازدواج نکرد » . (۵۵)

(۳) رشیدالدین محمد بن علی بن شهر آشوب ، متوفای ۵۸۸ ق . در کتاب گرانسنگ خود ، از چهار چهره برجسته جهان تشیع و تسنن :

۱ . احمد بلاذری ، متوفای ۲۷۹ ق . صاحب کتاب « أنساب الأشراف »

۲ . ابوالقاسم کوفی ، متوفای ۳۵۲ ق . صاحب کتاب « الاستغاثه »

۳ . سید مرتضی علم الهدی ، متوفای ۴۳۶ ق . صاحب کتاب « الشافی فی الامامه »

۴ . ابوجعفر شیخ طوسی ، متوفای ۴۶۰ ق . صاحب کتاب « تلخیص الشافی »

روایت کرده که فرموده اند :

« پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله هنگامی با خدیجه ازدواج کرد که وی دوشیزه بود » . (۵۶)

آنگاه اضافه می کند :

« این مطلب را تأکید می کند آنچه در دو کتاب : « الأنوار » و « البدع » آمده که رقیه و زینب دختران هاله ، خواهر خدیجه بودند » . (۵۷)

(۴) علامه مجلسی نیز همین متن را از ابن شهر آشوب نقل کرده است . (۵۸)

(۵) علامه مامقانی نیز آن را از طریق علامه مجلسی نقل کرده است . (۵۹)

(۶) شیخ ذبیح الله محلاتی نیز آن را نقل کرده است . (۶۰)

(۷) پژوهشگر معاصر دکتر نجاح طائی در رساله دکترای خود بر دوشیزه بودن حضرت

خدیجه پای فشرده و دلایلی آورده که حضرت خدیجه جز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با احدی ازدواج نکرده است .

۸) محقق توانا سید جعفر مرتضی عاملی نیز دو کتاب مستقل در این رابطه به رشته تحریر در آورده : ۱) بنات النبی أم ربائبه ؛
۲) القول الصائب فی اثبات الربائب ، و اخیراً در کتاب سیره اش به تفصیل در این رابطه سخن گفته است . (۶۱)

۹) ابوالقاسم کوفی در ادامه سخنانش می گوید :

خدیجه ای که به اتفاق مورخان و سیره نویسان دست ردّ به سینه همه اشراف و رجال برجسته زمان زده است ، چگونه صاحب درک و اندیشه ای احتمال دهد که به ازدواج شخص گمنامی از اعراب تیم رضایت دهد .

اهل خرد و اندیشه می دانند که چنین مطلبی از محالات است و یقین می کنند که حضرت خدیجه جز رسول خدا با احدی ازدواج نکرده است . (۶۲)

۱۰) مرحوم آیت الله شیرازی رحمه الله نیز این نظر را پذیرفته و معتقد بوده است که حضرت خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دوشیزه بوده است . (۶۳)

خدیجه علیها السلام و چگونگی شناخت او از پیامبر صلی الله علیه و آله

آن بانوی بزرگوار از حُنفاء بود ؛ یعنی یکتاپرست و پیرو آیین حضرت ابراهیم علیه السلام بود . آخرین اوصیای حضرت ابراهیم ، حضرت ابوطالب و حضرت عبدالمطلب بودند که وی آنها را درک کرده و نویدهای آنها را درباره جوان هاشمی شنیده بود .

روز میلاد مسعود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت ابوطالب خطاب به همسرش فرمود : « سی سال صبر کن تا همانند او را - به جز نبوت - برای تو

در دوران کودکی وی بود که عبدالمطلب به فرزندانش سفارش می کرد که هر کدام بعثت آن حضرت را درک کند به او ایمان بیاورد. (۶۵)

محمد، جوانی ۲۰ ساله بود که ابوطالب گفت: « پدرم به من خبر داده است که او همان پیامبر موعود است ». (۶۶)

فرزانه قریش که این معلومات را در بایگانی حافظه گردآورده است، دل در گرو جوان هاشمی می سپارد و به همه خواستگاران از هر تیره و گروه، جواب منفی می دهد.

در سفر تاریخی خویلد (پدر خدیجه) با حضرت عبدالمطلب به یمن برای تبریک و تهنیت به « سیف بن ذی یزن » در ایام جلوس او بر تخت سلطنت، پادشاه به او خبر می دهد که این ایام باید پیامبر موعود متولد شده باشد، نامش « محمد » است، در میان شان اش مُهر نبوت است، پدر و مادرش فوت می کند، عمو و پدر بزرگش کفالت او را برعهده می گیرند... (۶۷)

سیف بن ذی یزن، به صراحت می گوید: « سوگند به کعبه که تو پدر بزرگ آن پیامبر موعود هستی. پس حضرت عبدالمطلب به سجده می افتد و سجده شکر به جای می آورد ». (۶۸)

خویلد برمی گردد و این سخنان را به عنوان سوغات سفر می آورد و در میان اهل و عیالش بازگو می کند و فرزانه قریش، آن را آویزه گوش خود می سازد.

روز عیدی بود در ماه رجب، زنها در کنار بتی گرد آمده بودند، شخصی از دور نمایان بود، چون نزدیک شد با صدای بلند فریاد برآورد:

« در شهر شما پیامبری به نام « احمد » از سوی خداوند به رسالت برانگیخته خواهد شد ، هر کدام از شما بتواند به همسری او درآید حتماً انجام دهد . »

زنها به او دشنام دادند و به سویش سنگ انداختند ، ولی خدیجه سخن او را در بایگانی حافظه اش جای داد . (۶۹)

حضرت ابوطالب با کاروان تجارتی به شام می رود و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را که در سنین نوجوانی بود ، همراه خود می برد . در بصری راهبی به نام « بُحیرا » برای اولین بار ، کاروان را به ضیافت دعوت می کند و پس از گفتگوی فراوان ، به ابوطالب می گوید : « او را زود برگردان که اگر یهود او را ببینند ، شناسایی می کنند و به وی آزار می رسانند » . (۷۰)

این خبر در مکه پخش می شود و فرزانه قریش نیز آن را به خاطر می سپارد .

اکنون جوان هاشمی به ۲۵ سالگی رسیده است و با پول خدیجه به صورت مضاربه عازم تجارت است . خدیجه ، غلام مخصوص خود « میسره » را با او می فرستد و به او توصیه می کند که از آن حضرت جدا نشود و هر چه می بیند به خاطر بسپارد .

در این سفر ، راهبی به نام « نسطور » از میسره می پرسد : « این مرد که زیر این درخت نشسته کیست ؟ » می گوید : « او مردی از قریش از اهل حرم است . » نسطور با قاطعیت به او اعلام می کند که او پیامبر است .

میسره چون برمی گردد ، سخن راهب را برای

بانویش بازگو می کند و در ضمن مشاهدات خود می گوید که چون هوا گرم می شد ، دو فرشته ، بالهای خود را بر سر او می افراشتند و بر او سایه می انداختند . (۷۱)

سالها پیش نیز یکی از احبار یهود ، جوان هاشمی را در منزل خدیجه دید و به او گفت : « او همان پیامبر موعود است که نشانه های او را در تورات خوانده ام . بانویی از قریش با او ازدواج می کند که سرور بانوان بهشت است ؛ مبادا تو از این شرف محروم شوی » . (۷۲)

ورقه بن نوفل ، پسر عموی خدیجه نیز او را تشویق می کرد و می گفت : « پیامبری که برای این امت وعده داده شده است و ما در انتظار او هستیم ، وقت ظهورش فرارسیده است ؛ به راستی ، محمد ، همان پیامبر موعود این امت است » . (۷۳)

پدیدار شدن این بشارتها و نویدها ، پشت سر یکدیگر ، فرزانه قریش را در تصمیم خود محکم تر می ساخت و او را در موضع سرسختی که گرفته بود مصمم تر می ساخت . این نویدها بود که همه اشراف منطقه را در نظرش بی اهمیت می ساخت و تنها آن جوان هاشمی را شایسته همسری جلوه می داد .

گامی استوار به سوی زندگی پایدار

حضرت خدیجه ، گذشته از جمال ، کمال ، مال و منال ، از دانش ، بینش ، اصالت اندیشه ، سلامت فکر ، صلابت رأی ، دقت نظر و قدرت تصمیم گیری به موقع برخوردار بود . از این رهگذر پس از دست ردّ زدن بر سینه سلاطین یمن ، اشراف طائف و بزرگان حجاز ، تصمیم گرفت که با عزم جزم ،

سنت رایج را بشکند و در انتظار خواستگاری از سوی جوان هاشمی ننشیند؛ بلکه با یک سنت شکنی، او به سراغ شوهر ایده آل خود برود.

وی از بانوی فرزانه ای به نام «نفیسه» کمک گرفت و وعده دیدار با امین قریش طلب کرد. خدیجه در این دیدار با صراحت گفت: «ای امین قریش! من دختر شایسته ای برای شما در نظر گرفته ام».

امین قریش پرسید: «کیست؟» عرضه داشت: «هِيَ مَمْلُوكَتُكَ خَدِيجَةُ؛ او کنیز شما خدیجه است» (۷۴). جوان هاشمی فرمود: «تو صاحب مال و مکنت هستی و من چیزی از مال دنیا ندارم. من، دنبال همسری چون خود هستم».

حضرت خدیجه با بیانی شیرین و دلنواز، عرضه داشت: «من خودم، ثروتم، کنیزانم و آنچه در تصرف من است، از آن شماست و تابع فرمان شما» (۷۵).

آن گاه خلعت گرانمایی به صفیّه (عمه پیامبر) بخشید و گفت: «ای صفیّه! تو را به خدا سوگند می دهم که مرا یاری کنی تا به وصال محمد برسم» (۷۶).

وی خواهرش، هاله را نیز نزد عمّار فرستاد تا موانع این پیوند مقدّس را برطرف کند (۷۷).

*

انگیزه ازدواج

حضرت خدیجه علّت این همه پافشاری بر تحقّق یافتن این پیوند مقدّس را به «صفیّه» چنین بیان کرد:

«إِنِّي قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ مُؤَيَّدٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ من به طور حتم و یقین می دانم که او از سوی پروردگار عالمیان

، مورد تأیید است « (۷۸)

آن حضرت ، به شخص پیامبر عرضه داشت : « به خدا سوگند ! من با شما چنین رفتار نمی کنم ، جز برای اینکه امید دارم شما همان پیامبری باشید که برانگیخته خواهد شد « (۷۹)

آن گاه دیگر ویژگیهای حضرت را چنین شماره کرد : « ای پسرعمو ، من به این دلایل ، دل در گرو تو دارم :

۱ . خویشاوند من هستی ؛

۲ . از شرافت والایی برخورداری ؛

۳ . در میان قوم خود به امانت شهرت داری ؛

۴ . فردی راست گفتاری ؛

۵ . اخلاقی نیکو داری « (۸۰)

هر فرازی از سخنان خدیجه حکایت از نظر صائب ، اندیشه استوار ، دانش و بینش وافر ، دقت نظر و عمق درایت او می کند .

لحظه انتظار

سرانجام ، لحظه انتظار فرارسید و رؤیاهای طلایی خدیجه تعبیر شد . حضرت ابوطالب ، حمزه و دیگر بزرگان خاندان رسالت به منزل خدیجه آمدند و سعادت دو جهان را برایش به ارمغان آوردند .

حضرت ابوطالب رشته سخن را به دست گرفت و فرمود : « سپاس و ستایش به پروردگار این بیت که ما را از نسل ابراهیم و از تبار اسماعیل قرار داد ، ما را در حرم امن خود جای داد و زمامدار مردم کرد و این شهر را برای ما مبارک ساخت .

این برادرزاده من هرگز با احدی از رجال قریش مقایسه نمی شود ؛ جز اینکه بر او برتری یابد و با احدی از مردمان مقایسه نمی شود ؛ جز اینکه بر او فزونی یابد و هرگز با احدی

برابری نمی کند . او از نظر مال دنیا ثروت کم تری دارد ؛ ولی ثروت برای گذران زندگی است و سایه ای ناپایدار .

اکنون ما برای خواستگاری آمدیم به رضایت و دلخواهش . و آنچه مهریه از نقد و نسیه بخواهید از مال من است . سوگند به پروردگار بیت که برای او جایگاهی رفیع ، دینی جهان شمول و درایتی کامل است .»

آن بانو شخصاً سخن گفت و رضایت خود را اعلام کرد .

حضرت ابوطالب ، شتری نحر کرد ، ولیمه عروسی برگزار شد و زفاف انجام یافت . (۸۱)

مهریه حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه ۴۰۰۰ دینار به عباس داد که آن را به خانواده خدیجه به عنوان مهریه پردازد ؛ (۸۲) ولی آنچه مسلم است ، این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او ۵۰۰ درهم به عنوان مهریه تقدیم کرد . (۸۳)

براساس نقل مورخان و سیره نویسان ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دوازده ونیم اوقیه، یعنی ۵۰۰ درهم به حضرت خدیجه پرداخت . (۸۴) براساس روایات معصومان علیهم السلام مهریه همه همسران پیامبر ۵۰۰ درهم بود ؛ (۸۵) ولی درباره این بانوی بزرگوار ، حضرت ابوطالب علیه السلام ۲۰ شتر جوان از مال خودش افزود . (۸۶)

نکته مهم در مهریه ایشان ، این است که او ۴۰۰۰ دینار می فرستد ؛ ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها ۵۰۰ درهم ؛ یعنی یک هشتادم آن را به عنوان مهریه می پردازد تا امت از آن حضرت پیروی کرده ، از مهریه های سنگین پرهیز کنند . در احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز به شدت بر مهر اندک ، تأکید شده است .

سنّ حضرت خدیجه علیها السلام

وقایع نگاران اموی در مورد سنّ حضرت خدیجه علیها السلام با یکدیگر به رقابت پرداخته ، از ۴۰ تا ۴۶ نوشته اند ، تا رقیبی برای برخی از همسران پیدا نشود .

قول مقبول و معقول در سنّ حضرت خدیجه همان است که بسیاری از مورخان آن را برگزیده اند و به ارسال مسلم گفته اند که حضرت خدیجه ۲۵ ساله بوده است .

حافظ عمادالدین یحیی بن ابی بکر بن محمد عامری ، متوفای ۸۹۳ ق . سنّ حضرت خدیجه را به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۲۵ دانسته و هیچ قول دیگری نقل

نکرده است. (۸۷)

حافظ ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، متوفای ۴۵۸ ق، صاحب سنن کبری، فقط همین قول را صحیح دانسته می گوید:

« سنّ حضرت خدیجه به هنگام وفات ۶۵ و به قولی ۵۰ بوده و آن صحیح تر است. (۸۸)

بی گمان ازدواج حضرت خدیجه در سال ۲۵ عام الفیل انجام یافته، که پیامبر اکرم در آن تاریخ ۲۵ ساله بوده، و ارتحال ایشان، سه سال پیش از هجرت، به سال دهم بعثت رخ داده، روی این بیان اگر حضرت خدیجه به هنگام ازدواج ۲۵ ساله باشد، به هنگام ارتحال ۵۰ ساله خواهد بود و اگر چهل ساله باشد به هنگام ارتحال ۶۵ ساله خواهد بود، که بیهقی ۵۰ ساله را صحیح دانسته است.

همین متن را ابن کثیر نیز از بیهقی نقل کرده است. (۸۹)

سپس اضافه می کند: پیامبر اکرم به هنگام ازدواج با حضرت خدیجه ۲۵ ساله بود، حضرت خدیجه نیز در آن هنگام ۳۵ و یا ۲۵ ساله بود، بیهقی از حاکم اینگونه روایت کرده است. (۹۰)

قول دیگر این است که حضرت خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۲۸ ساله بوده است و این قول ابن عباس است.

ذهبی با سلسله اسنادش از ابن عباس روایت کرده که خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر ۲۸ ساله بوده است. (۹۱)

بلاذری در ضمن اقوال مختلف نقل کرده که گفته شده: پیامبر ۲۳ ساله و خدیجه ۲۸ ساله بوده است. (۹۲)

ابن عساکر با سلسله اسنادش از ابن عباس نقل کرده که

حضرت خدیجه ۲۸ ساله بود ولی زبیر بن بکار ۳۰ ساله دانسته است. (۹۳)

دیار بکری اقوال مختلفی نقل کرده ، می نویسد : گفته شده ۳۰ ساله و گفته شده ۲۸ ساله بوده است ، در سیره مغلطای اینگونه بوده است. (۹۴)

ابن العماد حنبلی می نویسد : بسیاری از سیره نویسان قول ۲۸ را ترجیح داده اند. (۹۵)

حاکم نیشابوری با سلسله اسنادش از محمد بن اسحاق - صاحب سیره - نقل کرده که خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر ۲۸ ساله بود. (۹۶)

آنچه در منابع مختلف نقل شده که حضرت خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر چهل ساله بوده ، شایعه ای بیش نیست ، بیهقی آن را رد کرده و ۲۵ ساله بودنش را صحیح دانسته است ، جالب توجه اینکه حاکم آن را قول شاذ دانسته است. (۹۷)

پس قول مقبول و معقول آن است که حضرت خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۵ ساله و حداکثر ۲۸ ساله بوده است و ۴۰ قول شاذ می باشد .

و براساس تحقیقات انجام شده و تصریح بزرگان از اهل تحقیق دوشیزه بوده و با احدی به جز پیامبر اکرم ازدواج نکرده است .

تاریخ ازدواج

بی گمان ، سال ازدواج فرستاده خدا صلی الله علیه و آله با این بانوی باکرامت ، سال ۲۵ عام الفیل ، ۱۵ سال پیش از بعثت و ۲۸ سال پیش از هجرت بوده است . این رویداد مبارک در ماه ربیع الاوّل بوده و اختلافی در آن نقل نشده است. (۹۸)

روز ازدواج نیز بنا بر مشهور ، دهم ماه مذکور است ؛ چنان که سید بن طاووس با سلسله اسنادش

از شیخ مفید چنین نقل می کند و روزه آن را برای شکرانه این پیوند مقدّس ، مستحب می داند. (۹۹)

شیخ مفید نیز همان تاریخ را ثبت کرده است. (۱۰۰)

علامه مجلسی نیز آن را طبق نقل سید بن طاووس از شیخ مفید روایت کرده است. (۱۰۱)

مرحوم کاشف الغطاء هنگام بحث از روز نهم ربیع الاوّل می افزاید :

« یکی دیگر از علل شادی و سرور حضرت زهرا این است که روز نهم و دهم ، ایام پیوند مقدّس سید کائنات با بانوی پاک و پاک سرشت، حضرت خدیجه است که بی گمان، حضرت زهرا ، همه ساله در چنین روزی شاد و مسرور است و به آن مباحث می کند . این شادی و سرور در این ایام به شیعیان و ارادتمندانش به ارث رسیده است. (۱۰۲)

همسر و هم سِرّ

کفایت و درایت حضرت خدیجه علیها السلام در سطحی بود که عظمت بیکران رسول اکرم صلی الله علیه وآله را درک می کرد . وی در مشکلات ، یار و یاور آن حضرت بود . پیامبر نیز در امور زیادی با وی مشورت می کرد. (۱۰۳)

این نکته ، بسیار حائز اهمیت است که دوران تجرّد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله ۲۵ سال و دوران پس از ازدواج آن حضرت ۳۸ سال است . آن جناب ، ۲۵ سال آن را با حضرت خدیجه سپری کرد و ۱۳ سال دیگر را با ۱۳ زن دیگر .

یعنی رسول اعظم صلی الله علیه وآله دقیقاً دو سوّم دوران پس از ازدواج خود را با یک همسر به سر برده و هرگز نیاز به همسر دیگری احساس نکرد . او ، همسر

و هم سرّ پیامبر بود و با وجود چنین همسری ، هیچ کمبودی در زندگی خویش احساس نمی کرد .

در مقابل حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دوران ۱۳ سال پس از آن ، با وجود ۱۳ همسر - که برخی از آنها همسران شایسته ای بودند - همواره جای خدیجه را خالی می دید و احساس خلأ می کرد و به قدری از او یاد می کرد که باعث رنجش و حسد برخی همسران می شد . (۱۰۴)

سرچشمه کوثر

در میان صدها بانوی بافضیلت جهان ، تنها یک بانو این افتخار را پیدا کرد که در شاهوار جهان آفرینش ، دُرْدانه ای خداوند منّان ، نور چشم خاتم پیامبران ، همسر شایسته مولای متّقیان ، سرور بانوان جهان ، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در صدف خود پیروrand ، و او کسی جز خدیجه کبری نبود .

حضرت خدیجه برای پیامبر دو پسر و یک دختر آورد ، هر دو پسر در دوران کودکی درگذشتند ، ولی دخترش کوثر همیشه جاری جهان خلقت ، مادر یازده امام نور ، حضرت فاطمه علیها السلام می باشد .

همه سیره نویسان اتفاق نظر دارند که به جز ابراهیم دیگر فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خدیجه کبری بود :

۱ . قاسم بزرگترین فرزند پیامبر ، که پیش از بعثت متولّد شد .

۲ . عبدالله که بعد از بعثت متولّد شد ، و لذا به طیب و طاهر ملقب گردید . (۱۰۵)

قاسم در سنّ چهار سالگی درگذشت ، عبدالله نیز یکماه بعد در حالی که هنوز شیرخواره بود ، دیده از جهان فروبست . (۱۰۶)

چون دو فرزند پیامبر در فاصله اندکی

در گذشتند ، عاص بن وائل آن حضرت را « اُبتَر » خواند .

پسک وحی بر پیامبر رحمت فرود آمد و سوره مبارکه « کوثر » را بر قلب شریف آن حضرت فرود آورد ، که خداوند به تو کوثر جاری خلقت را عطا فرموده و بدین سان نسل طیب و طاهر پیامبر از او در بستر تاریخ ساری و جاری گردید . (۱۰۷)

دختران هاله

حضرت خدیجه خواهری داشت به نام « هاله » که با مردی از مخزوم به نام ابوهاله ازدواج کرد و دختری به نام هاله از وی متولّد شد .

سپس با مردی از تمیم به نام ابوهند ازدواج کرد و از او پسری به نام هند متولّد گردید .

ابوهند دو دختر دیگر به نام « زینب » و « رقیه » از همسر قبلی اش داشت .

ابوهند فوت کرد ، پسرش هند به خانواده پدری اش پیوست ، زینب و رقیه تحت کفالت هاله ماندند .

حضرت خدیجه که امّ الأراامل و الأیتام بود ، خواهرش هاله را با دو دختر ابوهند ، زینب و رقیه تحت کفالت خود آورد .

پس از ازدواج خدیجه هاله نیز در گذشت ، زینب و رقیه در خانه ی خدیجه پرورش یافتند .

در میان عرب رسم بود هر کس یتیمی را تربیت می کرد ، به عنوان فرزند او شناخته می شد ، از این رهگذر این دو دختر نیز به پیامبر و خدیجه نسبت یافتند . (۱۰۸)

روی این بیان زینب و رقیه نه فقط دختران پیامبر و خدیجه نبودند ، حتّی دختران هاله نیز نبودند ، بلکه ربیبه های هاله ، یعنی دختران ابوهند از همسر قبلی اش

بودند ، که به جهت بزرگ شدن در خانه خدیجه به آن حضرت منسوب بودند .

انتساب رقیه و زینب به پیامبر از روی تسامح و به قصد تبرک انجام شده ، پس از آنکه به همسر عثمان درآمدند ، وسیله ای برای تبلیغ اموی ها شد ، تا او را رقیب سیاسی مولی الموالی قرار دهند .

پیامبر گرامی اسلام خطاب به امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید :

يَا عَلِيُّ! أُوتِيَتْ ثَلَاثًا لَمْ يُؤْتَهُنَّ أَحَدٌ وَلَا أَنَا؛ أُوتِيَتْ صِهْرًا مِثْلِي وَلَمْ أُوتَ أَنَا مِثْلِي ...؛

ای علی ، خداوند به تو سه امتیاز داده که به احدی نداده ، حتی به من نیز نداده : ۱) خداوند به تو پدر زنی چون من داده که به من پدر زنی در حدّ خودم داده نشده ... (۱۰۹)

روی این بیان افتخار دامادی پیامبر منحصرأ از آن حضرت علی علیه السلام است و اگر فرد دیگری در این افتخار شرکت داشت کلام رسول خدا نقض می شد .

در مورد ازدواج رقیه با عثمان ، خصیبه داستان جالبی نقل کرده می گوید : پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرموده بود : هر کس سپاه اسلام را تجهیز کند و هزینه اش را بپردازد و چاه رومه را بکند و هزینه اش را از مال خودش بدهد ، من برای او خانه ای را در بهشت تضمین می کنم .

عثمان این کار را انجام داد و مشمول این ضمانت پیامبر شد .

هنگامی که از رقیه خواستگاری کرد ، پیامبر اکرم فرمود :

« رقیه می گوید : من با تو ازدواج نمی کنم مگر به این شرط که آن خانه ای

را که در بهشت برای تو تضمین شده به عنوان مهریه به من بدهی.»

عثمان پذیرفت، پیامبر ضمانش را برداشت، آنگاه عثمان با وی ازدواج کرد. (۱۱۰)

رقیه یکی از بانوان مظلوم تاریخ است و سرنوشت اندوهباری دارد که به جهت محدودیت صفحات کتاب به فرصتی دیگر موکول می‌کنیم.

- اوّلیات حضرت خدیجه علیها السلام /

اوّلیات حضرت خدیجه علیها السلام

۱. حضرت خدیجه، نخستین بانویی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با او ازدواج کرد. (۱۱۱)

۲. وی نخستین بانویی است که به رسالت پیامبر ایمان آورد و نام خود را با خطوطی زرین بر تارک صفحات تاریخ ثبت کرد. (۱۱۲)

۳. وی نخستین بانوی نمازگزار است که مدتها تنها وی و حضرت علی علیه السلام در کنار کعبه با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نماز برپا می‌داشتند تا بعدها جعفر طیار نیز به آنها پیوست. (۱۱۳)

۴. وی نخستین بانوی معتقد به ولایت امیرمؤمنان بود که پیامبر در شب ارتحالش فرمود: «باید به ولایت علی بن ابی طالب شهادت دهی». خدیجه گفت: «به ولایت او ایمان آوردم و بیعت کردم». (۱۱۴)

۵. او نخستین بانویی بود که از دست مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از انگور بهشتی تناول فرمود. (۱۱۵)

/ -

غروب غمبار

۲۵ سال تمام پیامبر رحمت با وی انس داشت و او تنها ستاره فروزان خانه پیامبر بود و نگاههای جاذب و غم زدایش تنها مایه تسلی رسول خدا صلی الله علیه و آله در محیط خانه بود؛ از اینرو غم ارتحالش به همین مقدار بر فرستاده خدا صلی الله علیه و آله که دریای عواطف بود، سخت و جانگداز بود. نوشته‌اند که آن جناب، در غم ارتحال همسرش به قدری اندوهگین شد که بر سلامتی اش نگران شدند. (۱۱۶)

به محضر پیامبر گفته شد: «پس از ارتحال خدیجه خیلی افسرده شده‌اید». فرمود: «او مادر فرزندان

و کدبانوی خانه ام بود» و می فرمود: « خداوند ، محبت او را در دلم قرار داده بود ». (۱۱۷)

تاریخ وفات

اختلافی نیست که وفات ایشان ، در ماه رمضان رخ داد. طبری، تاریخ آن را دهم رمضان در سال دهم بعثت ثبت کرده است . (۱۱۸)

غالب سیره نویسان متفق القول هستند که وفات آن خانم ، در دهم رمضان سال دهم بعثت ، سه سال پیش از هجرت در مکه واقع شد . وی در حجون به خاک سپرده شد . شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد قبر شد و همسر گرامی اش را در قبر گذاشت . (۱۱۹)

سال غم و اندوه

آنچه مسلم است این است که ارتحال حضرت خدیجه با فاصله اندکی از رحلت جانگداز بزرگ حامی پیامبر ، حضرت ابوطالب علیه السلام اتفاق افتاد ؛ از اینرو ، پیامبر اکرم به شدت اندوهگین شد و آن سال را « عام الحزن » ، یعنی سال غم و اندوه نام نهاد و همواره می فرمود : « تا ابوطالب و خدیجه زنده بودند ، غم و اندوه بر من مستولی نشد ». (۱۲۰)

امیر بیان در سوگ حضرت خدیجه ، چکامه ای سرود و از او به عنوان « بانوی بانوان » یاد کرد . (۱۲۱)

در بسیاری از کتب سیره و تراجم وفات ایشان سه روز پس از وفات حضرت ابوطالب ثبت شده است . (۱۲۲)

طبق این بیان باید وفات حضرت ابوطالب در هفتم رمضان باشد ، در حالی که شیخ طوسی آن را در ۲۶ رجب ثبت کرده است . (۱۲۳)

حق شناسی پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، کانون عواطف بود . آن جناب ، لحظه ای خدمات ، ایثارها ، فداکاریها ، شایستگیها ، محبتها و دیگر فضایل خدیجه را فراموش نکرد .

هنگامی که پیامبر با ۱۰/۰۰۰ سرباز جنگی وارد مکه معظمه شد و کعبه را از لوث بتها پاک کرد ، اشراف مکه با اصرار و الحاح از او خواستند که به خانه آنها قدم بگذارد ؛ ولی او به رسم وفا به کنار قبر خدیجه آمد ، آنجا خیمه زد و ایام اقامتش در مکه را در کنار قبر همسرش سپری کرد . (۱۲۴)

این عمل پیامبر ، گذشته از درس حق شناسی به ائمت ، پیام دلنشین و دلنوازی به حضرت خدیجه داشت

« هان ، ای سنگ صبور من ! ای همسر باوفای من ! اگر در همه روزهای سخت زندگی ، در دوران محاصره اقتصادی ، در آن روزگار خفقان و اختناق جانکاه قریش در کنار من بودی و آن همه رنج و مشقت را به جان خریدی ، اکنون ، من پس از فتح قلعه های شرک و نفاق به کنار تربت پاک تو آمده ام تا شادی ام را با تو تقسیم کنم . »

*

پاورقی ها

(۱) جزوه های منتشر شده در سالهای قبل عبارت بودند از : (۱) سرچشمه کوثر ، (۲) شمع محافل طه ، (۳) یادواره بزرگداشت خدیجه کبری .

(۲) السیره النبویه ، ابن هشام ، تحقیق طه عبدالرؤف سعد ، بیروت ، دارالجلیل ، ۱۴۱۰ ق ، ج ۲ ، ص ۸ .

(۳) همان .

(۴) الانوار الساطعه ، سیلاوی ، ص ۹ .

(۵) تاریخ مکه ، ازرقی ، تحقیق رشدی صالح ملحسن ، مکهالمکرمه ، دار الثقافة ، چ سوم ، ۱۳۹۸ ق ، ج ۱ ، ص ۱۴۹ .

(۶) همان ، ص ۲۶۶ .

(۷) احزاب : ۶ .

(۸) الانوار الساطعه ، سیلاوی ، ص ۲۲۶ .

(۹) بحار الانوار ، علامه مجلسی ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۸۰ ق ، ج ۳۵ ، ص ۱۴۳ .

(۱۰) قرب الإسناد ، حمیری ، قم ، مؤسسه فرهنگی کوشانپور ، ۱۴۱۷ ق ، ص ۲۵۲ ، ح ۱۲۳۲ .

(۱۱) فاطمه الزهراء ، قزوینی ، قم ، بصیرتی ، ۱۴۱۲ ق ، ص ۱۱۰ .

(۱۲) شرح المواهب اللدئیه ، زرقانی ، ج ۱ ، ص ۱۹۹ .

(۱۳) مائده : ۷۵ .

(۱۴) اصول کافی

- ، كليني ، تحقيق على اكبر غفّاري ، بيروت ، دارالأضواء ، ١٤٠٥ ق ، ج ١ ، ص ٤٥٩ .
- (١٥) البدايه والنهايه ، ابن كثير ، بيروت ، مكتبه المعارف ، ١٤٠٨ ق ، ج ٢ ، ص ٦٢ .
- (١٦) الاصابه ، ابن حجر ، بيروت ، دار الكتب العلميه ، افست ، چاپ كلكته هند ، ١٨٣٥ ، م . ج ٨ ، ص ٦٠ .
- (١٧) شرح المواهب اللدنيه ، زرقاني ، ج ١ ، ص ١٩٩ .
- (١٨) كحل البصر في سيره سيد البشر ، محدث قمي ، بيروت ، مؤسسه الوفاء ، ١٤٠٤ ق ، ص ٧٠ .
- (١٩) بحار الانوار ، ج ٤٣ ، ص ٢٢ .
- (٢٠) همان ، ج ١٠٠ ، ص ١٨٩ .
- (٢١) مناقب آل ابى طالب ، ابن شهر آشوب ، بيروت ، دارالاضواء ، چ دوم ، ١٤١٢ ق ، ج ١ ، ص ٢٢٨ .
- (٢٢) التفسير ، عياشي ، قم ، مؤسسه البعثه ، ١٤٢١ ق ، ج ٣ ، ص ٣٥ .
- (٢٣) الصحيح ، بخاري ، بيروت ، دار الجيل ، افست چاپ سلطاني ، بولاق ، ١٣١٣ ق ، ج ٥ ، ص ٤٨ .
- (٢٤) سير اعلام النبلاء ، ذهبى ، بيروت ، مؤسسه الرساله ، چ نهم ، ١٤١٣ ق ، ج ٢ ، ص ١١٣ .
- (٢٥) الامالى ، شيخ طوسى ، قم ، مؤسسه البعثه ، ١٤١٤ ق ، ص ١٧٥ ، ح ٢٩٤ .
- (٢٦) البدايه والنهايه ، ابن كثير ، ج ٢ ، ص ٦٢ .
- (٢٧) بحار الانوار ، ج ١٦ ، ص ٧٨ .
- (٢٨) الانوار الساطعه ، سيلوى ، ص ٧ .
- (٢٩) فتح البارى

، ابن حجر ، بيروت ، دار المعرفة ، ج ٧ ، ص ١٤٠ .

(٣٠) همان ، ص ١٣٩ .

(٣١) تاريخ دمشق، ابن عساکر، داراحياء التراث العربی، ١٤٢١ ق، ج ٧٤ ، ص ٨٤ .

(٣٢) كفايه الطالب ، گنجی شافعی ، تهران ، دار احیاء التراث اهل البيت ، چ سوم ، ١٤٠٤ ق ، ص ٣٥٩ .

(٣٣) المستدرک علی الصحیحین ، حاکم ، بیروت ، دار الفکر ، ١٣٩٨ ق ، ج ٣ ، ص ١٨٤ .

(٣٤) مناقب آل ابی طالب ، ابن شهر آشوب ، ج ٣ ، ص ٣٨٣ .

(٣٥) الصّحیح ، بخاری ، ج ٥ ، ص ٤٧ .

(٣٦) فتح الباری ، ابن حجر ، بیروت ، دار المعرفة ، بی تا ، ج ٧ ، ص ١٣٨ .

(٣٧) همان ، ص ١٣٥ .

(٣٨) همان .

(٣٩) البدايه والنهائيه ، ابن کثير ، ج ٣ ، ص ١٢٩ .

(٤٠) همان .

(٤١) بحار الانوار ، علامه مجلسی ، ج ٤٣ ، ص ٢٤ .

(٤٢) الصّحیح ، بخاری ، ج ٥ ، ص ٤٨ .

(٤٣) فتح الباری ، ابن حجر ، ج ٧ ، ص ١٣٨ .

(٤٤) سير اعلام النبلاء ، ذهبی ، ج ٢ ، ص ١١١ .

(٤٥) السيره النبويّه ، ابن هشام ، ج ٢ ، ص ٥ .

(٤٦) التاريخ ، يعقوبی ، نجف ، المكتبه الحيدريه ، ١٣٨٤ ق ، ج ٢ ، ص ١٦ .

(٤٧) الانوار الساطعه ، سيلاوی ، ص ٩ .

(٤٨) تاريخ مكّه ، ازرقی ، ج ١ ، ص ١٤٩ .

٤٩) الاستغاثه ، ابوالقاسم كوفى ، نجف ، بى نا ، بى تا ، ج ١ ، ص ٧٠ .

٥٠) اين حقيقت

از مسلمات تاریخ است و علامه اردوبادی با صدها دلایل متقن آن را به اثبات رسانده است . ر . ک : مولود کعبه ، اردوبادی ، قم ، نشر رسالت ، ۱۴۲۰ ق .

(۵۱) المستدرک علی الصحیحین ، حاکم ، ج ۳ ، ص ۴۸۳ .

(۵۲) همان ، ص ۱۳۴ و ۴۶۵ و بیش از ۸۰ منبع دیگر از منابع اهل سنت .

(۵۳) الریاض النضره ، طبری ، بیروت ، دار الغرب الاسلامی ، ۱۹۹۶ م ، ج ۱ ، ص ۴۱۸ ، ح ۳۳۹ .

(۵۴) الهدایه الکبری ، خصیبی ، بیروت ، مؤسسه البلاغ ، ۱۴۲۶ ق ، ص ۴۰ .

(۵۵) الاستغاثه ، علی بن احمد کوفی ، ج ۱ ، ص ۷۰ .

(۵۶) مناقب آل ابی طالب ، ابن شهر آشوب ، ج ۱ ، ص ۲۰۶ .

(۵۷) همان .

(۵۸) بحار الانوار ، علامه مجلسی ، ج ۲۲ ، ص ۱۹۱ .

(۵۹) تنقیح المقال ، علامه مامقانی ، چاپ سنگی ، نجف ، بی نا ، ۱۳۵۲ ق ، ج ۳ ، بخش بانوان ، ص ۷۷ .

(۶۰) ریاحین الشریعه ، محلّاتی ، تهران ، ج ۲ ، ص ۲۶۸ .

(۶۱) الصحیح من سیره النبی الأعظم ، عاملی ، قم ، دار الحدیث ، ۱۴۲۶ ق ، ج ۲ ، ص ۱۸۷ - ۲۲۱ .

(۶۲) الاستغاثه ، کوفی ، ج ۱ ، ص ۷۰ .

(۶۳) امّهات المعصومین ، آیت الله شیرازی ، بیروت ، دارالعلوم ، ۱۴۲۴ ق ، ص ۹۰ .

(۶۴) همان .

(۶۵) اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۴۵۲ .

(۶۶) بغیة الطالب ، عاملی ، قم ، المكتبة الحیدریّه ، ۱۴۲۸ ق

، ص ۹۰ .

(۶۷) التاريخ ، يعقوبى ، ج ۲ ، ص ۱۱ .

(۶۸) دلائل النبوه ، ابونعيم ، بيروت ، دار النفايس ، ۱۴۱۹ ق ، ج ۱ ، ص ۹۷ .

(۶۹) الخصائص الكبرى ، سيوطى ، بيروت ، دارالكتب العلميه ، ۱۴۲۴ ق ، ج ۱ ، ص ۱۵۵ .

(۷۰) همان .

(۷۱) السيره النبويه ، ابن هشام ، ج ۱ ، ص ۳۲۲ .

(۷۲) همان ، ج ۲ ، ص ۶ .

(۷۳) بحار الانوار ، ج ۱۶ ، ص ۵۵ .

(۷۴) السيره النبويه ، ابن هشام ، ج ۲ ، ص ۱۰ .

(۷۵) التاريخ ، يعقوبى ، ج ۲ ، ص ۱۶ .

(۷۶) بحار الانوار ، ج ۱۶ ، ص ۵۵ .

(۷۷) همان ، ص ۵۸ .

(۷۸) التاريخ ، يعقوبى ، ج ۲ ، ص ۱۶ .

(۷۹) بحار الانوار ، ج ۱۶ ، ص ۵۷ .

(۸۰) فتح البارى ، ابن حجر ، ج ۷ ، ص ۱۳۴ .

(۸۱) دلائل الامامه ، طبرى ، ص ۷۷ .

(۸۲) الكافى ، ج ۵ ، ص ۳۷۴ .

(۸۳) بحار الانوار ، ج ۱۶ ، ص ۷۰ .

(۸۴) بر اساس محاسبه ای که اهل فن انجام داده اند ، ۵۰۰ درهم برابر ۱۶۲۱۲ مثقال نقره خالص و در زمان ما در حدود ۱۶۵۰۰۰ تومان است .

٨٥) السيره الحلييه ، حلبى ، بيروت ، دار احياء التراث العربى ، ج ١ ، ص ١٣٩ .

٨٦) الكافى ، ج ٥ ، ص ٣٧٥ .

٨٧) بهجه المحافل ، عامرى ، مدينه منورّه ، المكتبه العلميه ، بى تا ، ج ١ ، ص ٤٨ .

٨٨) دلائل النبوه ، بيهقى ، بيروت ، دار الكتب

العلميه ، بی تا ، ۱۴۰۵ ق ، ج ۲ ، ص ۷۱ .

۸۹) البدايه والنهائيه ، ابن كثير ، ج ۲ ، ص ۲۹۴ .

۹۰) همان ، ص ۲۹۵ .

۹۱) سير اعلام النبلاء ، ذهبی ، ج ۲ ، ص ۱۱۱ .

۹۲) أنساب الأشراف ، بلاذري ، بيروت ، دارالفكر ، ۱۴۲۰ ق ، ج ۱ ، ص ۱۰۸ .

۹۳) تاريخ مدينه دمشق ، ابن عساكر ، ج ۳ ، ص ۱۰۵ - ۱۰۶ .

۹۴) تاريخ الخميس ، ديار بكرى ، ج ۱ ، ص ۲۶۴ .

۹۵) شذرات الذهب ، ابن عماد ، بيروت ، دار احياء التراث العربى ، بی تا ، ج ۱ ، ص ۱۴ .

۹۶) المستدرک على الصحيحين ، حاکم ، ج ۳ ، ص ۱۸۲ .

۹۷) همان .

۹۸) المستدرک على الصحيحين ، ج ۳ ، ص ۱۸۲ .

۹۹) الاقبال ، سيد بن طاووس ، قم ، دفتر تبليغات ، ۱۳۷۷ ش ، ج ۲ ، ص ۱۱۵ .

۱۰۰) مسارّ الشيعه ، شيخ مفيد ، قم ، بصيرتى ، ۱۳۹۶ ق ، ص ۲۹ . به پيوست تاريخ الاثمه ، در ضمن « مجموعه نفسيه » .

۱۰۱) بحار الانوار ، ج ۹۸ ، ص ۳۵۷ .

۱۰۲) جنّه المأوى ، كاشف الغطاء ، تبريز ، ۱۳۹۷ ق ، ص ۹۴ .

۱۰۳) تذکره الخواص ، ابن جوزى ، قم ، مجمع جهانى اهل بيت ، ۱۴۲۶ ق ، ج ۲ ، ص ۳۰۶ .

۱۰۴) فتح البارى ، ابن حجر ، ج ۷ ، ص ۱۳۶ .

۱۰۵) جمهره النسب ، ابن كلبى ، ص ۳۰ .

۱۰۶) التاريخ ، يعقوبى ، ج ۲ ، ص ۲۶ .

(۱۰۷)

السّير والمغازى ، ابن اسحاق ، بيروت ، دار الفكر ، ١٣٩٨ ق ، ص ٢٤٥ .

(١٠٨) الاستغاثه ، كوفى ، ج ١ ، ص ٦٨ - ٦٩ .

(١٠٩) احقاق الحق ، قاضى نورالله شوشترى ، قم ، كتابخانه آيت الله مرعشى ، ج ٥ ، ص ٧٤ .

(١١٠) الهدايه الكبرى ، خصيبى ، ص ٣٩ .

(١١١) فتح البارى ، ابن حجر ، ج ٧ ، ص ١٣٤ .

(١١٢) الامالى ، شيخ طوسى ، ص ٢٥٩ ، مجلس ١٠ ، ح ٤٦٧ .

(١١٣) بحار الانوار ، علامه مجلسى ، ج ٣٥ ، ص ٨٠ .

(١١٤) بحار الانوار ، ج ١٨ ، ص ٢٣٣ .

(١١٥) مجمع الزوائد ، هيثمى ، ج ٩ ، ص ٢٢٥ .

(١١٦) سير اعلام النبلاء ، ذهبى ، ج ٢ ، ص ١١٦ .

(١١٧) كفايه الطالب ، گنجى شافعى ، تهران ، دار احياء التراث اهل البيت ، ١٤٠٤ ق ، ص ٣٥٩ ؛ تاريخ الاسلام ، ذهبى ، ج ١ ، ص ٢٣٧ .

(١١٨) دلائل الامامه ، طبرى ، ص ٨ .

(١١٩) تذكره الخواص ، ابن جوزى ، ج ٢ ، ص ٣١١ ؛ الطبقات الكبرى ، ابن سعد ، ج ٨ ، ص ١٨ ؛ الاصابه ، ابن حجر ، ج ٨ ، ص ٦٢ ؛ الاتحاف بحبّ الاشراف ، الشبراوى ، منشورات رضى ، قم ، ١٣٦٣ ش ، ص ١٢٨ .

(١٢٠) كشف الغمّه ، اربلى ، بيروت ، دار الكتاب الاسلامى ، ١٤٠١ ق ، ج ١ ، ص ١٦ .

(١٢١) بحار الانوار ، ج ٣٥ ، ص ١٤٣ .

(١٢٢) سير اعلام النبلاء ، ذهبى ، ج ٢ ، ص ١١٢ .

؛ اسد الغابه ، ابن اثير ، ج ٥ ، ص ٤٣٩ ؛ الاتحاف بحبّ الاشراف ، ص ١٢٨ ؛ اعلام الوری ، طبرسی ، ج ١ ، ص ١٣٢ .

(١٢٣) مصباح المتهدّج ، شیخ طوسی ، فقه الشّیعه ، بیروت ، ١٤١١ ق ، ص ٨١٢ .

(١٢٤) التاریخ ، طبری ، ج ٣ ، ص ٥٧ .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

